

جنگ و اقتصادهای نابهنجار





دولت توسعه خواه حامی بخش خصوصی است و به عنوان یاور این بخش عمل کرده و در مورد بهره برداری از منابع اقتصادی به عنوان رقیب بخش خصوصی وارد نمی شود و در تولید کالاهای سیاسی چون امنیت عمومی، امنیت اقتصادی، قداست مالکیت، پاسداری از مالکیت معنوی، ایجاد شغل، رفاه و به کارگیری راهبرد حل مسئله، به عنوان ناظر در بخش اقتصادی عمل می کند.

در فصل زمستان برخی از خانواده ها به جای چوب از بسته های پول برای گرم کردن منازل و به عنوان سوخت شومینه و اجاق خوراک پزی استفاده می کردند. تجربه کشورهای جنوب شرق آسیا و مشکلات مربوط به سونامی و فروپاشی اقتصاد مناطق جغرافیایی در اندونزی و کشورهای کنار اقیانوس هند، مصیبت های فراوانی را به وجود آورد. تمامی سرمایه های مردم به واسطه خشم طبیعت نابود شد و لازم بود تا همه چیز را از نو بسازند. شکست ژاپن در جنگ دوم جهانی و اصلاحات اقتصادی این کشور، افق جدیدی را برای کارآفرینان ژاپنی فراهم ساخت. حزب ناسیونال سوسیال در آلمان پس از جنگ اول جهانی در آلمان به قدرت رسید و اصلاحات اقتصادی قابل توجهی به وجود آورد و تولید ناخالص داخلی به وضعیت غیرقابل پیش بینی رسید. هیتلر موفق شد در حمایت از صاحبان صنایع بزرگ، موتور اقتصاد آلمان را به حرکت درآورد و در بسیاری از صنایع نظامی، موشکی، هواپیماسازی و امور پزشکی و علوم انسانی دستاوردهای قابل قبولی به دست آورد. شکست آلمان در جنگ دوم جهانی و تقسیم این کشور به دارندگان دو بلوک شرق و غرب، نخبگان آلمان غربی را برای بهره برداری از طرح جورج مارشال تشویق کردند. فروپاشی دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ و اتحاد دو آلمان فرصت دیگری برای توانمندسازی این کشور به وجود آورد؛ به طوری که امروزه شاهد هستیم اقتصادهای کشورهای مغلوب در جنگ دوم جهانی در وضعیت بهتری نسبت به رقبای اروپایی پیروز جنگ جهانی دوم است. آلمان و ژاپن پس از آمریکا مقام های دوم و سوم را در تولید ناخالص داخلی از آن خود کردند و امروزه پس از چین مقام های سوم و چهارم بزرگ ترین اقتصادهای جهانی را یدک می کشند. علت بازسازی اقتصادهای جنگ زده و یا مصیبت زده ناشی از قهر طبیعت چیست؟ این مقاله به دنبال آن است که از تجربه اقتصادهای آسیب دیده برای بهره برداری و تحول در اقتصاد ملی ایران الگوسازی نموده و نقش دولت و بخش خصوصی در احیای اقتصاد این کشورها را بررسی نماید. عجم اوغلو و راینسون در کتاب «راه باریک آزادی» به چهار نوع دولت اشاره می کنند؛ لویتان غایب، لویتان کاغذی، لویتان مستبد و لویتان قانونی.



دکتر حسین معین آبادی بیدگلی

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان



جنگ و بلایای طبیعی تأثیرات فراوانی بر نابسامانی اقتصادی می گذارد. تجربه سونامی، زلزله و جنگ در کشورهای دستخوش تغییر، فرصت ها و تهدیدات فراوانی را به وجود می آورد. شکست آلمان در جنگ جهانی اول ارزش مارک را به صورت عجیبی کاهش داد؛ به طوری که قبل از جنگ هر پوند بریتانیا برابر با چهار مارک بود، اما این معادله در سال ۱۹۲۲ به صورت باورنکردنی تغییر کرد؛ به طوری که هر پوند بریتانیا به ارزش ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار مارک رسید. اسکناس ها با چهارچرخه ها جابه جا می شدند و زنان به همراه شوهرانشان صبح هنگام در محل کار حاضر شده و حقوق شوهران را دریافت کرده و در اولین مغازه خرید می کردند. ارزش مارک چنان در حال سقوط بود که ارزش پولی که کارگران صبح هنگام دریافت کرده بودند پس از پایان ساعت کار عصرگاهی به نصف تقلیل یافته بود.





■ تجربه نشان داده است که در اقتصادهای که به بحران‌های طبیعی و یا جنگ دچار شده‌اند، مردم دارای انگیزه‌های فراوانی برای سازندگی هستند؛ از این رو لازم است از این ظرفیت ملی برای تولید و بهبود وضعیت اقتصادی استفاده کرد.

تجربه نشان داده است که بهترین دولت برای توسعه، دولت قانونی یا لویاتان قانونی است. دولت‌های توسعه‌خواه به عنوان یکی از مکاتب توسعه اقتصادی نقش مهمی در ساختارپندی توسعه یک کشور و گذار از بحران‌های اقتصادی، فقر و پایین بودن درآمد سرانه دارند. منظور از دولت‌های توسعه‌خواه ساختار رسمی قدرت است که بر اساس مدل مطلوب اقتصادی سیاست‌ورزی می‌کند و به عنوان حامی بخش خصوصی وارد عمل شده و برخلاف دولت مستبد که «آدریان لفت وی» آن را دولت غارتگر می‌نامد و به دنبال غارت منابع ملی، رانت‌خواری و تشکیل تراست است، شرایط را برای قدرتمندسازی اقتصادی کشور فراهم می‌کند. دولت توسعه‌خواه از منظر عجم اوغلو دولتی است که چارچوب قوانین توسعه را معین می‌کند و از تمامی مخالفت‌ها و مسدودسازی توسعه اقتصادی توسط اقشار ماقبل توسعه جلوگیری می‌کند. دولت توسعه‌خواه حامی بخش خصوصی است و به عنوان یاور این بخش عمل کرده و در مورد بهره‌برداری از منابع اقتصادی به عنوان رقیب بخش خصوصی وارد نمی‌شود و در تولید کالاهای سیاسی چون امنیت عمومی، امنیت اقتصادی، قداست مالکیت، پاسداری از مالکیت معنوی، ایجاد شغل، رفاه و به کارگیری راهبرد حل مسئله، به عنوان ناظر در بخش اقتصادی عمل می‌کند. تجربه دولت‌های موفق پس از جنگ و مصیبت‌های طبیعی مؤید آن است که اعمال سیاست‌های پولی و مالی، حمایت از تولید ملی و اعمال تعرفه بر کالاهای وارداتی با هدف حمایت از کالاهای ملی و به کارگیری تمامی ظرفیت‌های سیاست خارجی برای فراهم‌سازی بازارهای مصرف در مراکز دیپلماتیک از جمله فعالیت‌های مؤثر این دسته از دولت‌ها است. تجربه ژاپن پس از جنگ دوم جهانی و کره جنوبی پس از جنگ با کره شمالی که منجر به مرگ نزدیک به چهار میلیون انسان از هر دو کشور شد، تأکید بر توانمندی بخش خصوصی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود در حکمرانی و ارائه الگوی توسعه فراگیر و جلوگیری از حیف و میل دلارهای محدودی بود که بخش نحیف اقتصادی به دست می‌آورد. دولت کره جنوبی سفر خارجی را ممنوع کرده بود و به صورت محدود به افراد پاسپورت می‌داد. دولت «ژنرال پارک» معتقد بود نباید دلارهای کشور صرف عیاشی در خارج از کشور شود. دولت ژاپن از ورود ماشین‌های

آمریکایی جلوگیری کرد و شرکت تویوتا را که ماشین نساجی تولید می‌کرد ترغیب کرد که اولین خودرو خود به نام تویوتا را بسازد و امروز شرکت تویوتا یکی از بزرگ‌ترین خودروسازهای جهان است. مردم در کنار دولت باثبات ژاپن، از مصرف کالاهای خارجی خودداری کردند و بخش خصوصی هم با اطاعت از قانون جهانی ممنوعیت کپی‌سازی پس از سه سال از تولید محصول، آن را مهندسی معکوس کرده و تولیدات ژاپنی را راهی بازار داخلی و خارجی کرد. در کنار وجود دولت توسعه‌خواه، جامعه‌ی همراه و همچنین عدم وجود شکاف، میان دولت و جامعه ضروری است. اقتصادهای موفق جنوب شرق آسیا در کنار همراهی دولت و جامعه یک دوره ثبات را تجربه کرده‌اند. همچنین وجود ثبات سیاسی و گذار از جامعه‌ی جنبشی به جامعه‌ی با ثبات، به اعمال سیاست‌های اقتصادی حکمرانی خوب کمک می‌کند.

توجه به منافع ملی و همراهی تمامی گروه‌های سیاسی علی‌رغم منافع متعارض گروهی، حزبی و یا قشری ضروری است. بر همین اساس می‌توان گفت توسعه اقتصادی یک کشور محصول سیاست و ساخت قدرت است و آنچه باعث جلوگیری از توسعه اقتصادی می‌شود، دولت و ساخت سیاسی است. بر همین اساس تجربه اقتصادهای پساجنگ در سه کشور آلمان، ژاپن و کره، مؤید دولتی توسعه‌خواه و قانونی است که برای توسعه اقتصادی هیچ مصلحتی را بالاتر ندانستند و تمامی ساختار نظام سیاسی در این راستا حرکت می‌کنند و تولیدکنندگان ثروت در بخش خصوصی تمامی مشکلات و کمبودها را به دولت منتقل کرده و توقع حمایت و حل مشکل را دارند. مجلس کره جنوبی محفلی می‌شود برای ارتباط نمایندگان مجلس با تولیدکنندگان حوزه انتخابیه خود و هر مطالبه‌ای که از دولت برای حل مشکلات خود دارند را به دولت منتقل می‌کنند. حزب کمونیست چین علاوه بر رجال سیاسی و ایدئولوژیک از نمایندگان تولیدکننده بخش خصوصی عضوگیری کرده و بخش خصوصی در حزب کمونیست دارای کرسی است تا سیاست‌های اعمالی در راستای تولید و حمایت از بخش خصوصی باشد. برخلاف گلاسnost و پروستوریکا (اصلاحات سیاسی و اصلاحات اقتصادی) در روسیه پس از اتحاد جماهیر شوروی، چین هیچ‌گاه چنین اصلاحات





نکته



توصیه‌های سیاستی:

- « بهبود حکمرانی در گذار به دولت توسعه‌خواه و قانونی،
- « حمایت از تولید ملی و مقابله با الیگارش و رانت‌خواران،
- « بهبود رابطه دولت و جامعه با انجام اصلاحات سیاسی و از بین بردن شکاف موجود،
- « جذب حداکثری و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های اندیشگی و فکری نخبگان جامعه ایرانی،
- « اعمال سیاست‌های پولی و مالی مناسب،
- « امید به آینده و بهره‌گیری از انگیزه‌های ملی ایجاد شده برای توسعه ایران،
- « وضعیت اقتصادی ایران ناشی از نوع سیاست‌ورزی ساخت قدرت است. با هدف بهبود وضعیت اقتصادی، لازم است حکمرانی به سمت حفظ و توسعه اقتصادی، تغییر پارادایم دهد،
- « به جز چین، هیچ یک از دولت‌های درگیر بحران اقتصادی، بنگاه‌داری نکردند؛ بلکه تقویت بخش خصوصی را هدف قرار دادند و موفق شدند. چین هم با تغییر پارادایم از بنگاه‌داری به نظارت و حمایت از اقتصاد روی آورده است،
- « تغییر در سیاست خارجی و تلاش برای بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی جهان با از بین رفتن تحریم و جذب سرمایه‌های خارجی.



مشکل‌داری را انجام نداد، بلکه به صورت هدفمند به اصلاح ساختار اقتصادی بدون ورود به اصلاحات سیاسی وارد شد. بر طبق آمار دهه ۹۰ قرن بیستم بیش از ۱۸۰ میلیون نفر از کارگران چینی در کارخانه‌هایی کار می‌کردند که ورشکسته بوده و برای دولت هزینه اضافی داشتند. دولت توسعه‌خواه چین بدون اعمال الگوی روسی در واگذاری صنایع زیان‌ده به بخش خصوصی، این صنایع را کاملاً حمایت کرد و از طریق دادن خدمات حمل‌ونقل، کارگر ارزان روستایی برای صنایع پُر سود، منابعی را به دست آورد تا از کارگران صنایع ضرر دِه حمایت کند. روسیه چنین نکرد و با بحران‌های سیاسی، اقتصادی، کودتا، مافیای چین و ناامنی داخلی روبه‌رو شد، اما چین پس از مائو موفق شد با ارائه الگوی دولت توسعه‌خواه و قانونمند، وضعیت مناسبی را در این کشور به وجود آورد و راه ۴۰ ساله غرب در توسعه اقتصادی را در یک پروسه ۴۰ ساله طی کند. **در جمع‌بندی چرایی موفقیت اقتصادهای ورشکسته جنگی و یا مصیبت زده ناشی از مشکلات طبیعی و زلزله می‌توان به عناصر زیر اشاره کرد:**

- ۱ اراده نخبگان حاکم برای توسعه اقتصادی و هم‌زمن شدن مفهوم توسعه در میان تمامی نخبگان و حاکم شدن موضوع توسعه اقتصادی بر تمامی مباحث و موضوعات مطرح شده در کشور،
- ۲ گذار از منافع حزبی، قشری، محدود و منطقه‌ای به منافع ملی،
- ۳ بهبود سیاست خارجی در راستای حمایت از تولیدات ملی و فراهم‌سازی بازار مصرف برای کالاهای تولید داخل،
- ۴ اعمال سیاست‌هایی برای بهبود تولید صنعتی و حمایت از بخش خصوصی،
- ۵ بهره‌گیری از استراتژی‌های توسعه شامل کشاورزی سبز، سیاست‌های مالی و پولی و اختصاص منابع مناسب به تولید، مقابله با رکود و تورم، سیاست حمایت از توسعه صنعتی و فراهم‌سازی سازوکار تولید کالا برای صادرات و صادرات مجدد،
- ۶ بهره‌گیری از انگیزه‌های ملی ایجاد شده پس از بحران‌های حوادث طبیعی و جنگ؛ تجربه نشان داده است که در اقتصادهای که به بحران‌های طبیعی و یا جنگ دچار شده‌اند، مردم دارای انگیزه‌های فراوانی برای سازندگی هستند؛ از این رو لازم است از این ظرفیت ملی برای تولید و بهبود وضعیت اقتصادی استفاده کرد.

